

بررسی تأثیرات مؤلفه‌های گفتمان صدور انقلاب بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد حسن آصفری، * حمید صالحی ** و احمد گل محمدی ***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۹	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳۱	شماره صفحه: ۳۹۹-۴۳۷
-------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

انقلاب به عنوان تغییر عمیق و تقریباً ماندگار در ابعاد زندگی اجتماعی هر کشور تغییرات گوناگون و دگرگونی‌های بسیاری به همراه دارد. تغییرات حاصل از آن را می‌توان به دو نوع اجتماعی و سیاسی (در ایران، علاوه بر این دو مورد، تغییرات فرهنگی که به نوعی وجه غالب بود) تقسیم کرد. در خصوص موضوع صدور انقلاب به صورت پراکنده در کتاب‌های مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی مطالبی مطرح شده است، اما به طور مشخص در مورد صدور انقلاب و به ویژه تأثیر آن بر سایر متغیرها، از جمله امنیت ملی، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. امام خمینی (ره) علاوه بر تأکید بر ماهیت اسلام و انقلاب اسلامی مبنی بر اعتقاد به آرمان‌ها و ارزش‌های الهی، تکلیف داشتن و وظیفه‌مند بودن نسبت به سرنوشت همه انسان‌ها و پاسخگویی به نیاز جامعه بشری را ضرورتی انکارناپذیر می‌دانند. صدور انقلاب، هم لازمه تداوم رویه‌ها و دستیابی به آرمان‌های انقلاب است و هم نتیجه منطقی پیروزی آن. فرضیه پژوهش حاضر می‌گوید که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب آغاز درگیری کنونی میان قدرت‌های طاغوتی و رژیم‌های جبار از یک سو و ملل محروم و آزادی‌خواه از سوی دیگر شد و به همین دلیل است که این انقلاب الگویی برای هدایت تمامی آزادی‌خواهان جهان در کشورهای مسلمان نشین و کشورهای در حال رشد بوده و ایران پایگاهی برای آزادی‌روشنگری و تبیین رسالت در جهان است. محدوده موضوعی تحقیق پیش‌رو به بررسی رابطه متقابل میان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و سیاست صدور انقلاب می‌پردازد. مسئله اصلی تحقیق نیز این است که اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مبنی بر صدور انقلاب و سیاست‌های مبتنی بر ترویج انقلابی‌گری در میان ملت‌های مسلمان چگونه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی اثر گذاشته است. در این پژوهش داده‌ها با نگاه نقادانه و با روش کیفی و تاریخی ساختاری بررسی شده است که روش‌های جمع‌آوری داده‌ها عبارتند از: استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحلیل محتوا، بررسی اسنادی و تحلیل ثانویه.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی؛ انقلاب؛ منافع ملی دولت‌ها؛ همکاری بین‌المللی

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: m_asafari@atu.ac.ir

** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

Email: salehi@atu.ac.ir

*** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴

doi: 10.22034/mr.2024.15381.5541

مقدمه

انقلاب‌هایی که پیوستگی نظام سیاسی حاکم بر یک کشور با وضعیت حاکم بر جهان را به هم می‌ریزند، معمولاً می‌کوشند روابط با ملت‌ها را جایگزین روابط با دولت‌ها کنند و شکل نوینی از دیپلماسی در پیش گیرند تا تجارب خود را به دیگر ملل منتقل کنند و حوزه فراگیری از ارزش‌های مورد ادعای خود را گسترش دهند (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۰). صدور انقلاب را می‌توان یکی از راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی دانست که از ابتدا بنیان‌گذار انقلاب مطرح کرد. طرح موضوع صدور انقلاب و اقدام‌هایی که براساس این راهبرد دولت جمهوری اسلامی ایران انجام داد بر ابعاد مختلف حیات سیاسی ایران تأثیر گذاشته است؛ یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر در این زمینه حوزه امنیت ملی است. در مورد تأثیر سیاست صدور انقلاب بر امنیت ملی کشور برخی تحلیلگران مسائل سیاسی ادعاهایی مطرح کرده‌اند، اما تاکنون این موضوع به صورت علمی و مستند بررسی نشده است.

محدوده موضوعی پژوهش به بررسی رابطه متقابل میان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و سیاست صدور انقلاب می‌پردازد. متغیر صدور انقلاب، هم شامل اندیشه صدور انقلاب می‌شود و هم سیاست‌های عملی مبتنی بر این تفکر را دربرمی‌گیرد. مسئله اصلی تحقیق این است که اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مبنی بر صدور انقلاب و سیاست‌های مبتنی بر ترویج انقلابی‌گری در میان ملت‌های مسلمان چگونه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی اثر گذاشته است. در این پژوهش داده‌ها با نگاه نقادانه بررسی شده و آثار مثبت و منفی سیاست صدور انقلاب بر متغیر امنیت ملی به صورت توأمان و بازتاب آن در اندیشه و سیاست‌های کشورهایی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند مطالعه شده است. اگرچه منحنی تهدیدها و فرصت‌های ناشی از سیاست صدور انقلاب در تاریخ جمهوری اسلامی ترسیم خواهد شد، به‌منظور تمرکز موضوعی، محدوده زمانی تحقیق شامل دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ است.

در این پژوهش از روش کیفی و تاریخی ساختاری با جمع‌آوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، تحلیل محتوا، بررسی اسنادی و تحلیل ثانویه انجام شد و به تفکیک

شامل موارد زیر است:

- کتاب‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در مورد صدور انقلاب؛
- ادبیات نظری مربوط به انقلاب اسلامی و بازتاب‌های آن در کشورهای مختلف؛
- نوشته‌ها و اظهارات اندیشمندان، سیاستمداران و رهبران انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در مورد انقلاب اسلامی ایران؛
- بررسی اسناد مربوط به سیاست‌های مبتنی بر راهبرد صدور انقلاب و تغییرات شاخص امنیت ملی کشور، مصوبات مجلس شورای اسلامی، اسناد مذاکرات دیپلماتیک، متن قراردادهای و معاهدات بین‌المللی؛
- متون و داده‌های مربوط به تحولاتی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی صورت گرفته است؛
- پژوهش‌های پیشین؛
- بررسی نگرش سایر کشورها نسبت به سیاست صدور انقلاب اسلامی با استفاده از متن سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و برنامه‌های اجرایی دولت‌ها.

۱. پیشینه پژوهش

شاه‌قلیان قهفرخی و سلیمانی (۱۳۹۹) در مقاله «شناسایی مؤلفه‌های حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت و تأثیرسنجی آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و محور مقاومت پرداخته و تأثیر آن را بر امنیت جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده‌اند. سپس با ارائه مدل مفهومی، ابعاد و مؤلفه‌های حمایت از محور مقاومت را در ابعاد نظامی، فرهنگی-عقیدتی، امداد و بهداشت، اقتصادی، اطلاعاتی، ضداطلاعاتی و سیاسی در سطوح مختلف تاکتیکی و عملیاتی را تبیین و تأثیر هرکدام بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را بیان داشته‌اند.

احتشامی، سلیمی و جوادی نیاکانی (۱۳۹۸) در مقاله «راهبردهای تبیین و بسط

گفتمان انقلابی‌گری در دهه پنجم انقلاب» پس از تعیین ابعاد مؤلفه‌های گفتمان انقلابی‌گری، با شناسایی وضعیت موجود کشور، برای دستیابی به وضعیت مطلوب در صدد تدوین راهبردهای مناسب و راهکارهای اجرایی برای دستیابی به این راهبردها برآمده‌اند.

قاسمی (۱۳۹۸) در مقاله «آرمان‌های امنیت امت مسلمان در گفتمان انقلاب اسلامی: ضرورت‌ها و چالش‌ها» از طریق شناسایی و تبیین الزامات تحقق امنیت همه‌جانبه امت اسلامی، به بررسی موانع تحقق پیامدهای مثبت و منفی آرمان انقلاب اسلامی در این زمینه پرداخته است. تحقق وحدت مسلمین را پیش‌شرط تحقق امت واحد می‌داند و انقلاب اسلامی را در کانون این امت واحد قرار می‌دهد. وضعیت کنونی مناسبات حاکم بر نظام بین‌الملل مبتنی بر دولت‌های ملی و ظهور رویکردهای سلبی و واهمگرایی در جهان اسلام را از موانع جدی تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در ایجاد امنیت همه‌جانبه امت اسلامی می‌داند. وی نقش محوری جمهوری اسلامی ایران را در «ژئوپلیتیک محور مقاومت»، توجه به موضوع «ام‌القری جهان اسلام» و مؤلفه‌های ایجابی «جمهوری‌های مستقل و آزاد» از مهم‌ترین پیشران‌های ایجاد امنیت همه‌جانبه امت اسلامی می‌داند. همچنین عامل تحقق امنیت امت اسلامی را کوشش در تأسیس جمهوری‌های مستقل و آزاد و موفقیت در استقرار و استحکام جمهوری اسلامی در سرزمین‌های اسلامی می‌داند.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. دیدگاه نخست: مخالفت با سیاست صدور انقلاب

مخالفان سیاست صدور انقلاب معتقدند تمام محورهای توسعه و رشد باید صرف منافع ایران شده و ایرانیت محوریت اصلی سیاست داخلی و خارجی قرار گیرد. این گروه ضمن اعتقاد به تساهل و تسامح معتقدند باید از ایجاد حساسیت‌های جهانی پرهیز کرد. مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت و اعضای کابینه او، براساس

همین رویکرد، برخورد ارزشی با نظام جهانی را ناپسند شمرده، در شعارهای خود به ایرانی آباد، آزاد و مستقل، ارتباط با تمامی کشورها و پیوستن به جمع موجود جهانی تأکید داشتند. ارزش‌های اسلامی و انقلاب را قابل قبول مرزهای ایران می‌دانستند و صدور انقلاب را عملی خلاف شئون بین‌المللی برمی‌شمردند.

۲-۲. دیدگاه دوم: صدور نظامی

از نخستین روزهای پیروزی انقلاب، برخی انقلابیون به جای واژه ملت از واژه امت استفاده می‌کردند و انقلاب اسلامی را انقلاب همه مستضعفان جهان می‌دانستند. آنها به صدور نظامی انقلاب معتقد بودند. طرفداران این دیدگاه به تئوری توطئه اعتقاد داشتند و هرگونه نابسامانی، عقب‌ماندگی، تحجر فرهنگی و مرزبندی را ناشی از توطئه برنامه‌ریزی شده دولت‌های استعمارگر می‌دانستند. اعتقاد به فرامیختگی بودن اسلام، مهم‌ترین استدلال آنها برای تجویز صدور انقلاب بود. آنها باقی ماندن در مرزهای ملی و حرکت برای توسعه داخلی را نوعی توطئه و شیوه میانه‌روانه می‌دانستند که به‌نظر آنان می‌توانست در پی تهاجم جامعه جهانی به ارزش‌های انقلابی، از بین رفته و الگوی تحقق‌یافته انقلاب را به شکست بکشانند.

طرفداران این دیدگاه در پی تهاجم دائمی و مستمر به ساختار نظام بین‌الملل و تلاش در نابود ساختن حکومت‌های وابسته در جهان اسلام بودند. استفاده از توانمندی‌های نظامی چریکی و اطلاعاتی، تجهیز تسلیحاتی جنبش‌های آزادی‌بخش و به خطر افکندن پایه‌های حکومت‌های مستبد در کانون توجه این گروه قرار داشت. رشد ملی تنها در قالب ایجاد زنجیره‌های انقلابی در ملت‌های مسلمان و به خطر افکندن منافع جهانی استعمار و به تبع آن ایجاد حاشیه امن برای «ام‌القرای اسلامی» را قبول داشتند. به همین دلیل این دیدگاه به سرعت در برابر دیدگاه اول عرض‌اندام کرد. در این دیدگاه منافع ملی با منافع آرمانی یکسان فرض شده و اولویت در سیاست خارجی به منافع ایدئولوژیک داده می‌شود به‌طوری‌که هرگونه پذیرش قوانین بین‌المللی مطرود بود و همه مؤسسه‌ها، سازمان‌ها و قوانین آنها به کلی ناپذیرفتنی

تلقى می‌شود. تحقق ارزش‌های انقلابی و تغییر وضع موجود از طریق اعمال زور یکی از روش‌های مورد قبول این گروه بود.

۲-۳. دیدگاه سوم: حفظ «ام‌القرای اسلامی» و ساختن جامعه الگو

طرفداران این دیدگاه معتقد بودند که باید یک امت واحد نمونه در داخل ساخت و از تمامی ابزارهای انقلابی، قانونی و حتی «خشن» نظامی برای تحقق این هدف سود برد. این دیدگاه سیاست خارجی مسالمت‌آمیز توأم با فرصت‌طلبی را دنبال کرده و معتقد بود که هر جا مصالح و منافع ملی اقتضا کرد و شرایط آماده بود به رژیم‌های وابسته و مستبد ضربه وارد کنیم و اگر شرایط مناسب نبود با تفاهم به وضع موجود ادامه دهیم. این دیدگاه تلفیق دو دیدگاه اول و دوم بود و طرفداران آن معتقد بودند مادامی که در داخل موفق به تثبیت اوضاع نشده‌ایم نباید در قبال جامعه جهانی موضع تعرض داشته باشیم، پس از آنکه توانستیم اوضاع داخل را بهبود بخشیم و به اهداف خود دست یابیم، باید تدریجاً وارد مخاصمه با جامعه جهانی و محیط پیرامون شویم. در صورتی که منافع ما در نقطه‌ای به خطر افتاد و مخاصمه و برخورد خشن کارساز نبود، اقدام به مصالحه‌ای بین‌المللی و تفاهم با کشورهای قدرتمند ضروری است. این دیدگاه در داخل متأثر از اندیشه‌های انقلابی و در جامعه جهانی مدافع تفاهم با سیاست دولت‌های قوی بود. در این دیدگاه استفاده از تمام شیوه‌ها برای دستیابی به اهداف انقلابی مشروع و قابل قبول تلقی می‌شد.

۲-۴. دیدگاه چهارم: صدور معنویت و ارزش‌های اسلامی

هیچ‌یک از دیدگاه‌های فوق کاملاً با نظریه امام خمینی (ره) منطبق نیست؛ در مورد دیدگاه ملی‌گرایان می‌توان گفت این دیدگاه کاملاً ناسیونالیستی و انفعالی بوده و هیچ‌سختی با شرایط انقلابی ندارد. محدود کردن تحول و توسعه در درون نوعی بی‌توجهی به جامعه جهانی است که امام خمینی (ره) با اعلام صریح خود مبتنی بر قطعی بودن صدور انقلاب این دیدگاه را رد کرد. علاوه بر اینکه حتی اگر بخواهیم

فقط به حفظ کشور آرمانی خودمان هم بیندیشیم باز هم ضرورت دارد در اندیشه صدور انقلاب باشیم؛ زیرا کشوری که می‌خواهد مستقل باشد و زیر سلطه هیچ قدرتی در جهان نرود، یقیناً مورد هجوم قرار می‌گیرد و برای دفاع از خود ضرورت دارد جای پای محکمی در مناطق دیگر جهان داشته باشد تا از این ظرفیت به‌هنگام دفاع استفاده کند. نمونه بارز این مطلب در وضعیت فعلی حزب‌الله لبنان است که به‌خوبی در برابر یکی از دشمنان اصلی انقلاب اسلامی ایران، یعنی رژیم صهیونیستی، ایستاده است.

دیدگاه دوم نیز از این نظر که استفاده از هر وسیله‌ای را مجاز می‌دانست مورد نفی امام خمینی (ره) بود. تهاجم نظامی به کشورهای اسلامی و جهان سوم یادآور شیوه‌های استثماری است. انهدام مرزهای ملی حرکتی خطرناک و نابودکننده تلقی می‌شود. امام (ره) می‌فرماید: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر شود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم ... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند نجات بدهند». در دیدگاه سوم به‌دلیل وجود نوعی فرصت‌طلبی که در خود دارد و از آنجاکه تعرض به جامعه جهانی را به‌طور محدود مورد توجه قرار می‌دهد نوعی موضع‌گیری انفعالی به‌حساب می‌آید.

نظریه امام خمینی (ره) به‌عنوان مبتکر سیاست صدور انقلاب با تمام دیدگاه‌های پیشین متفاوت بود. در نظریه صدور انقلاب که برخاسته از مبانی نظری ایشان است چند موضوع اهمیت محوری دارد: لزوم عمل به تکلیف برای تبلیغ و ترویج و درس روان آموزه‌های اسلام ناب محمدی، محوریت نقش مردم (به‌خصوص مسلمانان) و اعتقاد به ضرورت صدور انقلاب، صرف‌نظر از مرزهای جغرافیایی به‌دلیل ماهیت اسلامی انقلاب و مجاز نبودن استفاده از هر روش و ابزاری برای صدور انقلاب جزو اصول این نظریه هستند.

امام خمینی (ره) در جمع مسئولان دانشگاه امام صادق در تاریخ ۱۳۶۲/۰۶/۱۵ در این خصوص گفته‌اند: «ما می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم معنایش این

نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر یک همچو چیزی، نه ما گفتیم، نه ما می‌توانیم. اما آنچه می‌توانیم این است که می‌توانیم به‌وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به‌وسیله همین صدا و سیما، به‌وسیله مطبوعات، به‌وسیله گروه‌هایی که در خارج می‌روند ... اسلام را آن‌طوری که هست آن‌طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آن‌طوری که در روایات و در قرآن ما هست، آن‌طور به مردم ارائه بدهیم و به دنیا ارائه بدهیم و همین خودش از هزارها توپ و تانک، بیشتر می‌تواند مؤثر باشد ...».

همچنین به این نکته اشاره کرده‌اند که «بارها گفته‌ام ما با کسی جنگی نداریم، باید با تبلیغات صحیح اسلام را آن‌گونه که هست به دنیا معرفی نماییم، ما چیزی جز پیاده‌شدن اسلام در جهان نمی‌خواهیم» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۳۲۱). در این پژوهش علاوه بر تئوری امام خمینی (ره) مبنی بر صدور انقلاب، از نظریه «سازهانگاری و دیپلماسی نوین» استفاده می‌شود. براساس نظریه سازهانگاری، هویت ملی در تعیین اهداف و منافع ملی نقش اساسی دارد؛ لذا هویت ملی - اسلامی - ایرانی به‌عنوان مبنای تعامل با دولت‌ها و ملت‌های جهان، سیاست خارجی را به‌سمت گسترش عقاید دینی و ترویج پیام اسلام در سراسر جهان هدایت می‌کند.

۵-۲. مؤلفه‌های صدور انقلاب

۱. برجسته‌سازی عنصر تبلیغ در راستای معرفی انقلاب اسلامی به دنیا،
۲. ترویج تفکر انقلابی‌گری،
۳. مقابله با محافظه‌کاری و تلاش برای بیداری امت اسلامی،
۴. ترویج سیاست دینی،
۵. ترویج گفتمان ظلم‌ستیزی،
۶. حمایت سیاسی از نهضت‌های آزادی‌بخش،
۷. حمایت از جهان تشیع،
۸. مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و تقویت هویت اسلامی،

۹. ایجاد و تقویت اتحادیه‌های متشکل از کشورهای اسلامی.

۳. تعریف مفاهیم

۳-۱. صدور انقلاب

از نظر عملیاتی منظور از سیاست صدور انقلاب این است که برای تداوم انقلاب در داخل باید تفکر انقلاب به خارج صادر شود تا از تمرکز فعالیت ضدانقلاب و دشمنان در کشور کاسته و حلقه محاصره شکسته شود. ایجاد الگویی عملی برای سایر کشورها، هدایت، حمایت و تشویق جنبش‌های آزادی‌بخش و توصیه به پیروی از حق و ظلم‌ستیزی، از جمله نمادهای بارز راهبرد صدور انقلاب است.

۳-۲. مفهوم امنیت ملی

در رهیافت جدید امنیت ملی با لحاظ کردن تغییر و تحولات ایجاد شده در محیط داخلی و بین‌المللی و چالش‌های ناشی از جهانی شدن، محلی شدن و بین‌المللی شدن و بروز مسائل جدید، نظیر ایدز، مواد مخدر، محیط زیست، رکود اقتصادی، ظهور بمب اتم و ...، مفهوم امنیت ملی جرح و تعدیل شده و آن را اساساً از جنبه نرم‌افزاری بررسی می‌کنند. مطابق این رهیافت، اولاً در کنار تهدیدهای نظامی، سایر تهدیدها نیز اهمیت می‌یابد، ثانیاً تأثیر محیط داخلی نسبت به محیط بین‌المللی، اگر نگوییم بیشتر، حداقل هم‌تراز می‌شود. این رهیافت از منظری کلی‌نگر و جامع‌نگر عرصه و قلمرو را مدنظر قرار داده، به‌نحوی که تهدیدها، هم در قالب داخلی و هم بین‌المللی مطرح می‌شود.

از زمان پایان جنگ سرد تغییراتی در الگوهای امنیتی دولت‌ها مشاهده می‌شود و تحت تأثیر جهانی شدن، تأکید بر امنیت نظامی دولت به سمت «امنیت بین‌المللی» سوق یافته است. در این چارچوب، بین‌المللی شدن به معنای جهانی شدن یا چندجانبه‌گرایی است، به این دلیل امنیت جهانی در مقابل امنیت ملی مطرح می‌شود

که به سطوح بالای وابستگی متقابل توجه می‌کند. مطابق این تعاریف، امنیت از طریق شیوه‌های یک‌جانبه به‌دست نمی‌آید، در نتیجه شاهد کاهش نگرش انفرادی به امنیت ملی هستیم. علاوه بر این رهیافت امنیت ملی عبارت است از افزایش توان بازدارندگی کشور، کاهش احتمال حمله نظامی دشمن، کاهش مداخله سیاسی بیگانگان در امور داخلی، تأمین نسبی امنیت نظام اقتصادی، افزایش تعداد متحدان در منطقه و جهان، کاهش تنش‌های سیاسی و اختلاف‌های مرزی و ...

۴. صدور انقلاب در نظریه امام خمینی (ره)

۴-۱. شیوه‌های صدور انقلاب

۴-۱-۱. محوریت تبلیغ و صدور فرهنگی

در نظریه امام خمینی (ره) محور اصلی صدور انقلاب، تبلیغ است. به‌طوری‌که درباره چگونگی آن طبق گفته‌های ایشان^۱ در سخنرانی‌ها و پیام‌ها، الگوسازی صدور فرهنگی و تبلیغ به‌عنوان راهبرد اساسی مطرح شده و در کنار آن راه‌هایی چون حمایت از کشورهای در حال رشد و سازمان‌های آزادی‌بخش جهان به‌منزله نمودی از تقابل با نظام سلطه و بازتولید ایدئولوژی انقلاب نیز دیده می‌شود. در این متون، امام خمینی (ره) سعی دارد معنای انقلاب ایران را به‌عنوان نمونه آرمانی در مخاطب، درونی سازد و بدین ترتیب استیلای گفتمانی خود را تداوم بخشد. مرکز توجه گفتمان بر ملت‌های ستمدیده و مستضعف است که در جریان صدور نقش دارند.

۱. «ما که می‌گوییم اسلام را ما می‌خواهیم صادر کنیم معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی نه ما گفتیم، نه ما می‌توانیم، اما آنکه می‌توانیم این است که می‌توانیم به‌وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به‌وسیله همین صدا و سیما، به‌وسیله مطبوعات، به‌وسیله گروه‌هایی که در خارج می‌روند ... اسلام را آن‌طوری که هست، آن‌طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آن‌طوری که در روایات و در قرآن ما هست، آن‌طور به مردم ارائه بدهیم و به دنیا ارائه بدهیم و همین خودش از هزارها توپ و تانک بیشتر می‌تواند مؤثر باشد ...» (سخنرانی امام خمینی در جمع مسئولان دانشگاه امام صادق در تاریخ ۱۳۶۲/۰۶/۱۵).

۲-۱-۴. نگاه واقع‌گرایانه در عین آرمان‌گرایی

حضرت امام هم معتقد به آرمان‌ها بوده‌اند و هم نگاه به واقعیات داشتند. حکومت اسلامی حکومتی است برای همه مستضعفین. وظیفه ما آن است که اسلام را بین همه مستضعفین و تمام مردم جهان تبلیغ کنیم. این آرمانی جهان‌شمول است، اما در عین حال باید به امکانات هم توجه کرد. امکانات ما محدود است، فعلاً ممکن است توانایی صدور انقلاب را به شکل کامل نداشته باشیم. محدودیت ما این است که باید مرزهای دولت ملت را بپذیریم، به هر حال ما همسایگانی داریم و روابطی باید داشته باشیم. اینها واقعیات روابط بین‌الملل است. حضرت امام این واقعیات را پذیرفته و بنابراین در روابط بین‌الملل، هم واقع‌گرا بودند و هم آرمان‌گرا. یکی از عبارتهای وصیت‌نامه چنین است: «فریاد قهرمانانه ملت‌ها بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی ابد». یعنی پیام اسلام، پیام قرآن و پیام حکومت اسلامی است. زمان و مکان نمی‌شناسد. یا در جایی دیگر می‌فرماید: «وصیت‌نامه سیاسی الهی اینجانب اختصاص به ملت عظیم‌الشأن ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۴۰۰)، یعنی پیام عام و جهان‌شمول است.

در اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی حمایت از ملت‌های محروم و مستضعف بیان شده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد». بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی بدین معناست که دولتی اسلامی براساس مبانی و آموزه‌های دینی و اخلاقی نمی‌تواند توانایی خود را صرفاً در راه تحقق خواسته‌های ملی متمرکز کند، بلکه براساس این مبانی، دولت اسلامی وظیفه دارد تحقق خواسته‌های تمامی امت اسلامی را در سیاست خارجی پیگیری کند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به‌طور هم‌زمان نسبت به تأمین منافع

ملت ایران و امت اسلامی مسئول و مکلف است. این التزام به منافع ملت و مصالح در بیانات، سخنان و نوشته‌های حضرت امام به‌صراحت بیان شده است.

۲-۴. اهداف صدور انقلاب

آشنا کردن با مبانی انقلاب و رهایی ملت‌های تحت ستم در کشورهای مبدأ، عموماً اهداف مشترکی را دنبال می‌کند. نفی استعمار و استبداد در تمامی انقلاب‌های پیشین هدف مشترک همه انقلاب‌ها از جمله ایران بوده است. اما حمایت از مسلمانان، گسترش اعتقادات، تلاش برای تقویت وحدت اسلامی، تلاش برای بیداری و اتحاد مستضعفان، هشدار برای تنبیه متجاوزان و تلاش برای تغییر نظام ناعادلانه در جهان از جمله اهدافی بود که به‌طور اختصاصی انقلابیون ایران دنبال می‌کنند.

۳-۴. تجربه صدور انقلاب در کشورهای دیگر

طنین‌انداز شدن ایده انقلاب در دیگر کشورها معمولاً به دردسر افتادن قدرت‌های بزرگ را به دنبال داشته است. مهار انقلاب‌های پیوسته از آن‌رو دشوار است که در چنین مواردی صرفاً کفایت نمی‌کند که با اولین انقلاب در کشوری (که به ثمر رسیده) مقابله کرد. مثال شوروی و نفوذ اندیشه کمونیسم با وجود همه تدابیری که غرب اندیشیده بود، در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی می‌تواند راهنمای خوبی باشد که امکان این امر به‌سادگی نخواهد بود.

در این بحث منظور از امواج انقلابی (صدور انقلاب) مجموعه‌ای از انقلاب‌ها است که اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. هر انقلاب می‌تواند «موافق» یا «مخالف» باشد. منظور از این دو کلمه انقلاب‌هایی است که در پی ایجاد ساختار حکومتی خاصی (دمکراسی، سوسیالیسم اسلامی و ...) قدم برمی‌دارد. موج مخالف نیز در پی برانداختن ساختار حاکم است. پس می‌توان گفت هر انقلابی درون خود هر دو را پوشش می‌دهد، اینکه هر کدام به چه نتیجه‌ای برسد بحثی است که در هر مورد متفاوت بوده است.

یک موج انقلابی می‌تواند یک انقلاب محوری در پی تغییر روابط بین‌الملل داشته باشد. در موج انقلاب‌های مارکسیستی، ناسیونالیسم عربی و بنیادگرایی اسلامی این نقش‌ها را به ترتیب شوروی، مصر و ایران (به‌زعم نویسنده) رهبری می‌کنند. این دولت‌ها درعین حال اولین انقلاب‌هایی بودند که یک موج موافق منحصربه‌فرد را ایجاد می‌کردند. هر دولت برای ایفای نقش انقلاب محوری باید بتواند به قدرت بزرگ منطقه‌ای یا جهانی تبدیل شود (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۳۰-۲۲۱).

در طرف دیگر و انقلاب‌های مخالف، می‌توان از تحولاتی یاد کرد که عملاً کل جهان را فراگرفته است. ضدپادشاهی مطلقه و موج ضدستعمارتی نیز در زمره همین نوع انقلاب‌ها بوده است. از طرفی انقلاب ضددمکراتیک اقبالی نیافته و جز در مقاطع خاصی، مجبور به پذیرش شرایط دمکراتیک شده است.

از میان موج‌های انقلابی «موافق»، انقلاب دمکراتیک تنها مدلی است که دوام و قوام یافته است. انقلاب انگلستان شروع چنین روندی بود که تا به امروز نیز ادامه داشته است.

درمجموع می‌توان دریافت که «صدور انقلاب» صرفاً در انقلاب ایران مطرح نبوده و انقلابیون پس از پیروزی به دلیل احساس قدرتمندی ناشی از آن، تلاش‌هایی برای صدور انقلاب می‌کنند. انقلاب‌های فرانسه و آمریکا نمونه‌هایی از بحث «صدور انقلاب» یا آن‌طور که محققان غربی می‌خوانند «انتشار امواج انقلابی» است که تا به امروز نیز ادامه داشته. با بررسی دقیق‌تر این دو کشور، می‌توان دریافت که بنیان‌های نظری قدرتمند و تلاش برای ارتقای استانداردهای حکومت‌گری، هر روز این نوع انقلاب برای جهانیان از جذابیت بیشتری برخوردار خواهد بود. با این حساب اگر قرار بر ادامه انقلاب و ارزش‌های برآمده از آن باشد، طبیعتاً باید از نظریه‌پردازانی کمک گرفت که این تحول بزرگ را صورت‌بندی نظری کرده و به خلاف تبلیغات غرب شکل واقعی آن را برای جهانیان تبیین کنند.

انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت نرم خود که برگرفته از اندیشه فرهنگ و تفکر اصیل اسلامی است، تغییر و تحولات اساسی در ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل و

رفتار ملت‌های جهان به وجود آورد و با به چالش کشیدن نظام بین‌الملل و قواعد حاکم بر آن، نشان داد که قدرت‌های شرق و غرب، هر دو برای تسلط بر ملت‌های جهان عمل کرده و ماهیت هردوی آنها سلطه‌جویانه و مادی‌گرایانه است. انقلاب اسلامی با ترسیم مرز جدیدی که به تعبیر امام خمینی (ره) مرز بین مستضعفان و مستکبران بود، جبهه‌ای جدید در برابر غرب و شرق ایجاد کرد و سبب خیزش دوباره جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل و نقش‌آفرینی آنها در عرصه روابط بین‌الملل شد.

انقلاب اسلامی توانست با ارائه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، هویت سیاسی و دینی جدیدی براساس ارزش‌های دینی به مسلمانان بخشد و با زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کند. پدیده انقلاب اسلامی پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد و مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استبداد، استعمار و امپریالیسم را ابطال کرد و بار دیگر «جسارت و اعتماد به نفس» را به ملت‌های مسلمان بازگرداند. امروز امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت بوده و ارزش‌های اسلامی در حال احیا است و باعث شکست سیاست‌های استعماری شده به‌طوری‌که دشمنان سعی دارند تا با این موج عظیم که در سراسر دنیا فراگیر شده از هر راهی با به کار بستن حربه‌های گوناگون مقابله کنند.

امام خمینی (ره) در خصوص بیداری مسلمانان گفته است: «معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند، نجات بدهند» و مقام معظم رهبری در بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) با تأکید بر این بیداری فرمودند: «بیداری عظیم اسلامی در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه حوادثی بسیار مهم و تاریخ‌سازی است. ... حوادث مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین هر کدام حکم و تحلیل خود را دارد، اما وقتی ملتی بیدار شد و احساس قدرت و توانایی یافت

هیچ‌چیز مانع پیروزی او نخواهد شد ... نظام سلطه، شیطان بزرگ و صهیونیست‌های خون‌خوار تلاش می‌کنند پیروزی نهایی ملت‌ها تحقق نیابد، اما اگر ملت‌ها بیدار شده، به ندای قرآنی، صبر و استقامت پایبند و به وعده‌های الهی مطمئن باشند بدون تردید پیروز خواهند شد».

آنچه مردم خاورمیانه و شمال آفریقا را برای حضور در صحنه امیدوار ساخته، مشاهده مقاومت مردم لبنان و فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی و شکست هیمنه آمریکا و اروپا در عراق و افغانستان است که متأثر از انقلاب اسلامی است.

۵. امنیت ملی در دوره جمهوری اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی منافع ابرقدرت‌ها را در ایران تهدید کرد و در منطقه نیز تعدادی از نظام‌های دیکتاتوری در صدد برآمدند تا از ورود انقلابی‌گری به کشورهاشان جلوگیری کنند؛ لذا موضوع امنیت در صدر مسائل سیاسی نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت. اولویت‌بندی و سلسله‌مراتب منافع و امنیت ملی کشور در دوره جمهوری اسلامی را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد:

الف) حفظ بقا و موجودیت کشور

۱. تمامیت ارضی؛
۲. حاکمیت ملی و استقلال؛
۳. نظام جمهوری اسلامی؛
۴. امنیت و وحدت ملی؛
۵. لزوم مردم‌سالاری دینی.

ب) حفظ انقلاب اسلامی و مبانی آن

۱. ارزش‌های اسلامی شیعی و انقلابی؛
۲. موجودیت اسلام و تشیع؛
۳. استمرار و تقویت شیوه و مشی انقلابی؛
۴. نفی نظام شرقی و غربی؛

۵. تثبیت و تقویت استقلال کشور.

ج) استقرار نظم سیاسی-اقتصادی بین‌المللی مطلوب

۱. نفی نظام تک‌قطبی و هژمونیک؛
۲. نفی هژمونی بین‌المللی آمریکا و منطقه‌ای رژیم صهیونیست؛
۳. وحدت جهان اسلام؛
۴. جامعه عدل اسلامی جهانی؛
۵. حمایت از مسلمانان، مستضعفین و جنبش‌های آزادی‌بخش.

د) سعادت و وضعیت مطلوب اقتصادی

۱. رشد و توسعه اقتصادی؛
۲. رفاه و عدالت اجتماعی؛
۳. معیشت ضروری مردم؛
۴. دسترسی آزادانه به سرمایه و بازار بین‌المللی؛
۵. خودکفایی اقتصادی (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

پس از انقلاب اسلامی مکتب اسلام چارچوب و منبع تغذیه اصلی قدرت در ایران تلقی شد و در ترسیم امنیت ملی، مصالح ایدئولوژیک در کنار منافع ملی مدنظر سیاستگذاران قرار گرفت. در بینش سیاسی اسلام حضور و مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری یکی از ارکان امنیت ملی تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که پیامبر (ص) همواره در مشی عملی خود مردم را مورد لحاظ قرار می‌داد و تاریخ از مشورت‌های مکرر وی با پیروانش حکایت دارد. این واقعیتی است که گراهام فولر نیز بر آن درخصوص ایران بعد از انقلاب تأکید کرده است. به اعتقاد وی، هرچه میزان مشارکت مردم در مسائل سیاسی ایران بیشتر باشد، این خصوصیت با آزادی بیشتری بروز خواهد کرد (فولر، ۱۳۷۳: ۲۹). گره‌خوردن امنیت ملی ایران با اسلام باعث ایجاد فرهنگ جهاد و شهادت شد که در دوره هشت‌ساله دفاع مقدس عامل اصلی حفظ امنیت ملی ایران بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ملاحظات امنیتی

تغییرات جدی یافتند. در نظام جدید تعاریف متفاوتی از انسان، حکومت و نظام بین‌الملل ارائه شد که به کلی با گذشته متفاوت بود. بر این اساس مبانی امنیتی کشور دچار تغییر و دگردیسی فراوان شد که در مقام تعریف می‌توان گفت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از استقرار نظم و ثبات که مستلزم فقدان ترس و تهدید نسبت به حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام و ارزش‌های وابسته به آن، حفظ روابط منطقی با جهان به‌منظور تأمین و تضمین توسعه پایدار ایران است (ابوالفتحی و نوری، ۱۳۹۲: ۱۴).

۶. زیرشاخه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۶-۱. امنیت نظامی

امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌صورت فقدان تهدیدهای نظامی داخلی و خارجی علیه ارزش‌های مکتسب مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آنها تعریف کرد. این ارزش‌ها شامل حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، سلامت و امنیت مردم، بقای نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مذهبی، رفاه و معیشت مردم می‌شود و تهدیدهای نظامی علیه این ارزش‌ها ممکن است عینی یا ذهنی باشد. همچنین بهترین سازوکار برای تأمین امنیت نظامی داشتن قدرت و نیروی نظامی کافی و کارآمد برای جلوگیری و مقابله با تهدیدها و تهاجم نظامی تلقی می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۷).

۶-۲. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: توانایی مردم و ملت ایران در حفظ و تداوم ماهیت و هویت ملی خود تحت شرایط متغیر و متحول و وجود تهدیدهای احتمالی و واقعی. به‌صورت دقیق‌تر می‌توان گفت که امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از تداوم و مانایی الگوهای سنتی

زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، باورها، سنت‌ها، استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول و حفظ بقا، هویت مذهبی و ملی ملت ایران تحت شرایط مقبول برای تحول و تکامل اجتماعی (همان: ۹۵).

اشاعه و استقرار نظام‌های حکومتی غیردینی، به‌ویژه لیبرال دموکراسی می‌تواند امنیت سیاسی ایران را تهدید کند، زیرا بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی با الگوی نهادی لیبرال دموکراسی تفاوت شکلی و ماهوی دارند. نهادهایی چون ولایت فقیه، شورای نگهبان و مجلس خبرگان در چارچوب لیبرال دموکراسی قابل تعریف نیستند، زیرا نهادهای مذکور از ایدئولوژی اسلامی سرچشمه می‌گیرند که قائل به حاکمیت الهی، حکومت دینی و تعامل دین و دولت است، درحالی‌که لیبرال دموکراسی سکولار به جدایی دین و دولت معتقد است (همان: ۹۰-۹۱). همچنین ایدئولوژی سیاسی غیردینی لیبرالیسم و سکولاریسم نیز ممکن است منبع و منشأ تهدیدهای امنیتی باشد، چراکه ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به نظام جمهوری اسلامی، اسلام‌گرایی با اسلام سیاسی است که اصول مبانی و مفاهیم سیاسی و حکومتی آن در زمینه رفتار و نظام سیاسی-اجتماعی از نظام فکری و سیاسی لیبرالیسم متفاوت و متمایز است. فراتر از این، از آنجاکه توسعه و گسترش دموکراسی لیبرالیسم و سکولاریسم یکی از سازوکارهای مراکز قدرت در نظام بین‌الملل است؛ نوعی جنگ ایدئولوژیک نیز در جریان است؛ در این نبرد هدف تضعیف و تخریب ایدئولوژی اسلامی با ناکارآمد نشان دادن آن در عرصه حیات سیاسی-اجتماعی و نظام برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی است تا با شکست و ناکامی اسلام سیاسی زمینه برای جایگزینی آن با ایدئولوژی لیبرالیسم فراهم شود (ابوالفتحی و نوری، ۱۳۹۲: ۱۳).

۷. سیاست صدور انقلاب و روند اجرای آن

انقلاب به‌عنوان تغییر عمیق و تقریباً ماندگار در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی هر کشور تغییرات و دگرگونی‌های زیاد و شدیدی به‌همراه خود دارد؛ تغییراتی که از

آن حاصل می‌شود به دو نوع اجتماعی و سیاسی تقسیم می‌شود. انقلابیون برای اینکه انقلابشان را حفظ کنند و دوام بیشتری به آن دهند صدور آن را در دستور کار خود قرار می‌دهند، اما این کار سبب می‌شود که فشارهایی از محیط اطراف وارد شود و این سبب چنددستگی درباره صدور انقلاب می‌شود. در فرانسه آرمان‌های لیبرال مجلس مؤسسان در جهت ترویج و گسترش انقلاب به سراسر اروپا کشیده شد و این موضوع سبب شد در قرن بیستم اقتصاد جهان عمده‌تاً تحت تأثیر انقلاب صنعتی بریتانیا قرار گیرد.

صدور انقلاب بخشی از رسالت برون‌مرزی همه انقلاب‌هاست (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰). شعاع صدور هر انقلابی به شعاع آرمان‌ها، اهداف، زمینه‌ها، دیدگاه شمول‌گرایانه ایده‌های آن و قدرت انقلابیون بستگی دارد (ایزدی، ۱۳۶۱: ۲۱۷). مراد از صدور و بازتاب انقلاب عبارت است از: تأثیرات هر انقلاب در خارج از مرزهای قلمروی که در آن صورت گرفته است (خرم‌شاد، ۱۳۸۱: ۵۸).

۷-۱. فرمان صدور انقلاب

در اندیشه امام خمینی (ره) صدور انقلاب ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. همچنین استراتژی صدور انقلاب برپایه مجموعه‌ای از اهداف و برنامه‌ها از قبیل الگوسازی، تبلیغ، آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش استوار است و هدف اصلی صدور انقلاب، ملت‌ها هستند. انقلاب اسلامی ایران که برآمده از اعتقاد مردم و با همت جملگی آنها به پیروزی رسیده بود از همان آغاز در راستای انتقال اندیشه‌های اسلام ناب و آموزه‌های راستین بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و نیز پاسخگویی به نیاز مشتاقان و علاقه‌مندان انقلاب ایده صدور آن را مطرح کرد.

امام خمینی (ره) علاوه بر تأکید به ماهیت اسلام و انقلاب اسلامی مبنی بر اعتقاد به آرمان‌ها و ارزش‌های الهی، تکلیف داشتن و وظیفه‌مند بودن نسبت به سرنوشت همه انسان‌ها و پاسخگویی به نیاز جامعه بشری را ضرورتی انکارناپذیر می‌دانند؛ زیرا آشنایی با اسلام، انقلاب و اهداف آن نیاز و تقاضای طبیعی انسان‌هاست. ایشان بر

وفاداری به این تکلیف توصیه همیشگی داشتند و در این زمینه صدور انقلاب را جزئی از خصلت ذاتی و اجتناب‌ناپذیر انقلاب اسلامی معرفی کرده‌اند. امام خمینی (ره) عمل به این تکلیف را به اجازه مخالفان منوط نمی‌دانند، ایشان تکلیف دانستن این موضوع را نه آرمانی و دست‌نیافتنی، بلکه امری ممکن و دست‌یافتنی می‌دانند.

۲-۷. مختصات دستور امام خمینی (ره) مبنی بر صدور انقلاب

صدور انقلاب در دستور امام خمینی (ره) دارای این مختصات بود:

- مردود دانستن تجاوز و جنگ؛
- احترام به تمامیت ارضی کشورها؛
- بیداری ملت‌های مسلمان؛
- تشکیل دولت اسلامی در کشورهای اسلامی ازسوی ملت‌ها؛
- شکست مکاتب غیراسلامی در برابر اسلام؛
- استفاده از تاکتیک وحدت کلمه و اتکا به اسلام؛
- انقلاب ایران، انقلابی جهانی است، اما از ایران آغاز شده است؛
- مخالفت با کشورگشایی؛
- بازگشت به دین و احیای هویت دینی؛
- سرایت اسلام از مبدأ ایران به همه کشورها؛
- ما فقط می‌خواهیم حرفمان را به دنیا بزنیم؛
- محدوده صدور انقلاب فقط جهان اسلام نیست، بلکه هر جا مستکبر و مستضعف وجود دارد انقلاب می‌تواند صادر شود؛
- تبلیغات در صدور انقلاب مهم است؛
- نحوه گفتار و دعوت به اسلام مهم است.

۳-۷. اجرای فرمان صدور انقلاب

در دیدگاه امام صدور انقلاب از یک‌سو می‌تواند روشی تهاجمی علیه دشمنان

انقلاب برای دور کردن خطر آنها و صیانت از آن باشد، زیرا تا زمانی که دشمنان قصد نابودی انقلاب را دارند مسلمانان نیز وظیفه دارند با آنها مبارزه کنند، در غیر این صورت، شکست انقلاب حتمی است. ازسوی دیگر ایده صدور انقلاب هم آرمان و هدف متعالی و هم سیاست و استراتژی کلان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. امام خمینی (ره) ضمن اینکه اقدام برای صدور انقلاب را تکلیف و وظیفه شرعی می‌دانستند تداوم انقلاب و کارآمدی و تحقق اهداف آن را وابسته به صدور انقلاب دانسته و در صورت غفلت از این امر مهم و محصور ماندن انقلاب در مرزهای انقلاب شکست انقلاب را قطعی می‌دانستند؛ چنانکه فرمودند ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم، ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا در اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. ازطرفی دیگر تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۲۰۲).

در برخی اصول قانون اساسی از جمله اصل یکصد و پنجاه و چهارم به صدور انقلاب به عنوان یکی از اهداف انقلاب اسلامی اشاره شده است.

یکی از اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تصریح شده است، تداوم بخشیدن به انقلاب در داخل و خارج است. این هدف بیش از سایر اهداف انقلاب توجه رسانه‌های غربی را به خود معطوف کرد و در دل غربیان و سران حکومت‌های اسلامی هراس افکند.

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی کشورهای هم‌جوار و منطقه خاورمیانه و جهان اسلام تحت تأثیر این انقلاب فکری جهان اسلام و جهان تشیع قرار گرفت. ابداعات سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی همچون هر نوآوری دیگر به شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت‌انگیز بود، از این رو انقلاب اسلامی کانون پخش و تراوش فکری در منطقه شد. پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران به عنوان مبدأ پخش در بهمن ۱۳۵۷ به دلایل گوناگون دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است؛

نخست: یک انقلاب بزرگ و تمام‌عیار و مطابق با تعاریف انقلاب در ایران رخ داد؛ دوم: دارای داعیه بین‌المللی و فرامرزی و بشری است و پسوند «اسلامی» انقلاب ایران هم این انتظار را ایجاد می‌کند؛ سوم: موقعیت استراتژیک و سوق‌الجیشی ایران و موقعیت حساس منطقه‌ای آن سبب می‌شود که هرگونه تغییرات ساختاری در ایران دارای تأثیرات منطقه‌ای باشد (برزگر، ۱۳۸۱: ۵۷). سیاست صدور انقلاب ذیل گفتمان اسلام‌گرایی انقلابی به منصفه ظهور رسید. گفتمان اسلام‌گرایی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۰ به صورت پادگفتمان ملی‌گرایی لیبرال در عرصه سیاست خارجی ایران ظهور کرد، سپس از سال ۱۳۶۰ به بعد در هیئت و هیبت خرده‌گفتمان‌های مختلف بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران غالب و حاکم بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۰۶).

۸. نتایج سیاست صدور انقلاب و تأثیر آن بر امنیت ملی

سیاست صدور انقلاب در سطح منطقه و جهان پیامدهای سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی متعدد داشته و معادلات قدرت را دگرگون کرده است. این سیاست‌ها از طریق برخی متغیرهای واسطه‌ای به تقویت ضریب امنیت ملی ایران منجر شده است. مهم‌ترین بازتاب‌های سیاست صدور انقلاب که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب امنیت‌زایی شده‌اند، عبارتند از:

۸-۱. ترویج تفکر انقلابی‌گری

دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دوره استقلال نامیده شده‌اند اما انقلاب اسلامی ایران در برهه‌ای رخ داد که انقلابی‌گری جزو گفتمان مسلط جهان نبود. همچنین در شرایطی که انقلاب‌ها عموماً براساس تفکر مارکسیسم و لیبرالیسم رخ می‌داد، انقلاب اسلامی بر مبنای دین و معنویت شکل گرفت و تفکر انقلابی‌گری را در برابر محافظه‌کاری در دنیا گسترش داد.

۸-۲. بیداری اسلامی

در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران هیئت‌هایی از رهبران مسلمان از شمال آمریکا تا جنوب شرق آسیا، از جمله صادق المهدی از سودان، انور ابراهیم از مالزی و نور میسوری از فیلیپین برای عرض تبریک به امام خمینی (ره) به تهران سفر کردند. شیعیان در سایر کشورهای خلیج فارس و پاکستان که اقلیت مهمی را تحت حکومت سنی‌ها تشکیل می‌دادند، جسورانه هویت فرقه‌ای خود را اظهار کرده و ناراضی‌شان را از حکومت نشان دادند. به‌طوری‌که لبنان هوشیارانه و جسورانه‌ترین کشور در تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران بود (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۹).

برخی محققان مانند «جان آل اسپوزیتو» به دسته‌بندی تأثیرات سیاست صدور انقلاب پرداخته‌اند. از نظر این اندیشمند بازتاب جهانی انقلاب ایران چهار شکل داشته است:

- الف) در دو کشور لبنان و بحرین، دخالت ایران ملموس و چشمگیر بوده است؛
- ب) در تعداد بیشتری از کشورها، الگوی ایران و تشویق‌های این کشور جریان سیاسی اسلامی پیشین را تقویت کرده و شتاب بیشتری بخشیده است؛ همانند مصر، تونس، نیجریه، پاکستان و فیلیپین؛
- ج) ایران نقش عام‌تری در برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی ایفا کرده است؛ همانند مصر، سودان، مالزی و اندونزی؛
- د) الگو و فعالیت‌های ایران دلیل و بهانه لازم را فراهم آورده است تا بعضی حکومت‌ها (عراق، مصر، تونس و اندونزی) جنبش‌های اسلام‌گرای مخالف را مهار و سرکوب کنند. مهم‌ترین تأثیرگذاری ایران انقلابی بر جهان اسلام در سطح افکار و ایدئولوژی است (همان: ۳۳۱-۳۳۰).

انقلاب اسلامی از یک سو سبب رویکرد به دین، رشد گرایش‌های معنوی و تضعیف اندیشه مادی‌گرایان شد و از سوی دیگر، الگوی مبارزاتی مردم تحت ستم در نقاط مختلف جهان گردید و به ملت‌های در بند جهان آموخت که چگونه خود را از زیر سلطه و نفوذ بیگانگان نجات دهند و درواقع بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب درس

آزادی و آزاداندیشی برای مردم تحت سلطه در جهان بوده است. پروفیسور جیمز بل محقق آمریکایی در فصلنامه مسائل خارجی وزارت خارجه آمریکا در این خصوص می‌گوید: موجی از هیجان توده‌ای اسلام را فراگرفته است. از یوگسلاوی و مراکش تا اندونزی و مالزی و فیلیپین در شرق این اسلام نوظهور که به لحاظ ایدئولوژیک منسجم است. در انقلاب ۱۹۷۹ ایران، در اشغال مسجدالحرام در مکه، ترور انور سادات در نوامبر ۱۹۸۱، در مقاومت لبنان و ... انعکاس یافت. این نیروی توده‌ای که غالباً به عنوان اسلام بنیادگرا توصیف می‌شود از مرزهای جغرافیایی گذشته، ایدئولوژی سیاسی و رژیم‌های ملی را نیز فرا گرفته است (ملکوتیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت‌خواهانه خود درصدد برآمد با روش‌های غیرمستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب، یعنی بیداری اسلامی دست یابد. تأیید ارزش‌های انقلاب با جنبش‌های آزادی‌بخش، اشاعه الگوی مردم‌سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملل از زاویه توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ ارزش‌ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می‌توان در زمره مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرایند استقرار پیام‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد. بهره‌گیری انقلاب اسلامی از جذابیت پیام برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌های اسلامی، استقلالی و ضداستکباری، ترغیب مسلمانان و ملت‌های جهان سوم به همکاری و تشریک‌مساعی برای دستیابی به هدف مشترک و تبیین فرهنگ و ارزش‌های انقلابی و الگوی توسعه بومی و درون‌زا، حکایت از جذابیت اندیشه اسلامی در صحنه بین‌المللی داشت، به گونه‌ای که توانست بدون مجبور کردن مردم به تغییر رفتار از طریق تهدید یا پرداخت هزینه، آنان را برای

کسب نتیجه دلخواه و مطلوب جلب و جذب کند (محمود اوغلی، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۴). برخی از اندیشمندان بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب اسلامی و به تعبیر گراهام فولر «تأثیر رفلکسی انقلاب» در سال‌های نخستین انقلاب بسیار گسترده و فزاینده بود و پس از آن به تدریج با گذشت زمان این تأثیرات محدودتر شده است. به عنوان مثال، نیکی کدی معتقد است تأثیرات الهام‌بخش محسوس انقلاب اسلامی صرفاً به زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن محدود است (خانی‌آرانی و برزگر، ۱۳۹۰: ۱۳۱-۱۳۰).

۳-۸. رواج الگوی حکومت دینی

کشورهای لیبرال دمکرات تلاش می‌کنند با افزایش تعداد نظام‌های لیبرال دمکراسی بر متحدان خود بیفزایند. بدون شک افزایش تعداد حکومت‌های اسلامی به معنای واقعی کلمه می‌تواند توازن قوا را به نفع ایران تغییر دهد. از مهم‌ترین اهداف کلان انقلاب اسلامی، صدور الگوی حکومت دینی آن به سایر کشورهای جهان اسلام است. تحولات اخیر خاورمیانه، چالش‌ها و فرصت‌هایی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماد عینی انقلاب اسلامی، در راستای تحقق این امر، به وجود آورده است.

برای هر نظام سیاسی، شناسایی ظرفیت‌ها در بطن تحولات داخلی و بین‌المللی بخش مهم و کارکردی در راستای مدیریت منابع به‌شمار می‌رود؛ زیرا در صورت شناسایی دقیق ظرفیت‌های داخلی و پیرامونی می‌توان از آنها در راستای تحقق وظایف و اهداف خود استفاده بهینه کرد. انقلاب اسلامی که بر یک نظم دینی خاص مبتنی است به عنوان نظام الگویی در جمهوری اسلامی ایران متبلور شده است (ابراهیمی و ستوده، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

۴-۸. صدور فرهنگ ظلم‌ستیزی

یکی از ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و خاورمیانه، ماهیت

سلطه‌ستیزی بر محور عدالت است. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مرکز مبارزه با استکبار و سلطه جهانی، در تحولات جهانی، به‌ویژه جهان اسلام و خاورمیانه، تأثیر زیادی داشت. محوریت اسلام در ارزش‌ها و الگوی دینی انقلاب اسلامی ایران توانست نظر جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی‌بخش در منطقه و گروه‌های اسلام‌گرا را به خود جلب کند. ازجمله این گروه‌ها نهضت آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و گروه‌های اسلام‌گرا در قالب اخوان المسلمین مصر، سوریه و ... هستند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۱۶). در همین راستا اقدامی که باعث استقبال گسترده کشورهای اسلامی از انقلاب اسلامی شد، حمایت از فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی بود. پیش‌تر حمایت اعراب از فلسطین به‌عنوان عربیت قومی و ناسیونالیسم عربی صورت می‌گرفت، اما حمایت انقلاب اسلامی از فلسطین جنبه اسلامی به این حمایت بخشید و به اسلامی‌شدن قضیه فلسطین انجامید که نقطه مشترک تمام مسلمانان از عرب گرفته تا غیرعرب محسوب می‌شود (ابراهیمی و ستوده، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

انقلاب اسلامی ایران برعکس همه انقلاب‌ها تداوم و توالی‌بخش مهمی از میراث اسلامی است. به یک معنا آغاز این میراث به قرن هفتم میلادی و گشوده شدن ایران به روی اسلام برمی‌گردد و یکی از عوامل مهمی که انقلاب اسلامی ایران را از تمامی انقلاب‌های دگرگون‌ساز دیگر متمایز می‌سازد همین ریشه‌های عمیقی است که این انقلاب در گذشته تاریخی دارد. امروزه به اعتقاد صاحب‌نظران آنچه فرهنگ غربی را مورد تهدید قرار می‌دهد همین سکولاریسم است که ملهم از انقلاب فرانسه می‌باشد و امروزه تنها راه رهایی از این بحران را در احیای عنصر مذهب می‌دانند (همان). گسترش اسلام‌گرایی ناشی از انقلاب اسلامی ایران تأثیرات عمده‌ای بر دولت‌ها و نخبگان سیاسی در جهان اسلام داشت. این تحولات به تغییراتی در برخی حکومت‌ها و ارتباطات آنها با اسلام منجر شد، مانند کشورهای سودان و پاکستان، ورود نیروهای اسلام‌گرا به پارلمان‌های برخی کشورهای اسلامی، ازجمله حزب‌الله لبنان و اخوان المسلمین در اردن و همچنین تغییر در نگرش‌های سیاسی شاهزادگان و سیاست‌های بین‌المللی دولت‌ها، ازجمله عربستان سعودی، نمایانگر این تأثیرات است.

به‌علاوه، انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز تشکیل دولت ازسوی احزاب اسلام‌گرا، نظیر ترکیه شد.

در سطح بین‌المللی، حضور جمهوری اسلامی ایران و مواضع آن در سازمان‌های بین‌المللی نظیر جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و اوپک در تعیین تصمیمات و تصویب قطعنامه‌ها تأثیرگذار بود. به‌ویژه همکاری ایران و عربستان در اوپک که به افزایش قیمت جهانی نفت انجامید. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران تأثیر زیادی در نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، مانند یونسکو داشته است.

در آمریکای لاتین، وقوع انقلاب اسلامی ایران تأثیرات مهمی بر شکل‌گیری الهیات رهایی‌بخش داشت. در این منطقه که به‌دلیل بدهی‌های خارجی و وابستگی اقتصادی با مشکلات اقتصادی و فقر مواجه بود، از دهه ۱۹۶۰ شاهد افزایش فعالیت‌های سیاسی کشیشان و ظهور انجمن‌های مسیحی با گرایش‌های سیاسی بود. انقلاب اسلامی ایران به تشدید این روند کمک کرد به‌طوری‌که سوموزا دیکتاتور پیشین نیکاراگوئه، در سال ۱۹۷۹ به‌ویژه به نقش کشیشان در انقلاب نیکاراگوئه اشاره کرده و از ارتباطات آنها با ایران و امام خمینی(ره) پیش از پیروزی انقلاب سخن گفته است. همچنین فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، در مصاحبه‌ای که تحت عنوان «فیدل کاسترو و مذهب» منتشر شد، به گسترش مسیحیت سیاسی در آن دوره تأکید کرده است (ملکوئیان، ۱۳۸۲: ۲۷۸).

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵-۸. پویایی جنبش‌های اسلامی

آموزه‌های جهانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران نشانگر آن بود که پیامدهای انقلاب اسلامی منحصر به مرزهای ایران نیست و توجه بسیاری از مردم و دولت‌های کشورهای در حال توسعه و اسلامی را به خود جلب خواهد کرد. با وجود آموزه‌های جهانی در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی طبیعی بود که این آموزه‌ها در چارچوب مرزهای ایران محدود نشود و به خارج از مرزها سرایت کند و به‌ویژه در میان کشورهای اسلامی و در میان شیعیان جهان، چه به‌لحاظ مخالفت با

آن و چه به لحاظ پذیرش آرمان‌ها و آموزه‌های آن، بازتاب گسترده‌ای داشته باشد. در میان جوامع اسلامی، حزب‌الله لبنان که مهم‌ترین جنبش اسلامی در دهه‌های اخیر بوده از مهم‌ترین جوامعی است که تأثیری شگرف از آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است (خسرو شیرینی و جوان، ۱۳۸۸: ۹۴).

الزامات ناشی از زیستن در نظام به هم پیوسته بین‌المللی کم‌کم با رویکردهای واقع‌گرایانه در سیاست خارجی ایران نمود یافت، نظام اسلامی ایران توانست تا حدود زیادی امکانات و محدودیت‌های خود را شناسایی کند و با توجه به آنها در جهت بازسازی روابط خود با سایر کشورها گام بردارد.

پس از پیروزی انقلاب، گروه‌های اسلامی شیعه در لبنان مانند جنبش امل اسلامی و حزب‌الله و حتی گروه‌های اسلامی سنی مانند جنبش توحید اسلامی تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران رشد کرده و انقلاب ایران را الگویی برای خود قرار دادند (قحص، شیعه لبنان و ...). آمیختگی تشیع با سیاست در لبنان گرچه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با پیدایش جنبش امل توسط امام موسی صدر همراه بود، با ناپدید شدن ایشان این جنبش عملاً تنها در مسیر ملی‌گرایی لبنانی هدایت شده و افرادی همانند «نبیه بری» «انقلاب اسلامی ایران را مایه سرافرازی و افتخار شیعیان لبنان می‌دانستند؛ ولی معتقد بودند که نسخه شفابخشی برای حل مشکلات جامعه طایفه‌ای لبنان نیست» (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۴۹).

این جهت‌گیری‌ها در نهایت با مخالفت ناراضیان امل اسلامی مواجه شد و این گروه آشکارا با تأثیرپذیری از افکار انقلابی ایران از اندیشه‌های «پان‌اسلامیسم» رایج در اوایل انقلاب اسلامی ایران حمایت کردند، به علاوه اینکه جنبش حزب‌الله نیز نسبت به سایر گروه‌های شیعه در لبنان از تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) و نماینده اسلام سیاسی شیعی در این منطقه به شمار می‌رفت (طاهری، ۱۳۸۹: ۸۴-۹۰).

پس از انقلاب اسلامی اصول‌گرایی در قالب احزاب و جنبش‌های متعدد ظهور یافت و شتاب فزاینده‌ای گرفت. انتفاضه فلسطین، سازمان‌های حماس، جهاد اسلامی،

احیای مجدد اندیشه نابودی اسرائیل، حزب‌الله لبنان، جبهه اسلامی سودان، جبهه نجات اسلامی الجزایر، رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، احزاب و جنبش‌های مبارزه جهادی در افغانستان (در دوران اشغال به اعتراف مقامات غرب)، از نمودهای عینی عمیق استراتژی نفوذ ایران محسوب می‌شوند.

اسحاق رابین، وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی، اسلام را تهدیدی معرفی می‌کند و می‌گوید: «دشمنی ایران پس از انقلاب اسلامی به‌صورت یک دشمنی ایدئولوژیک و دشمن واقعی درآمده و خطر افکار تند مذهبی در ایران از هر خطری برای اسرائیل بیشتر است» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷) و در همین راستا «ابا آبان»، نظریه‌پرداز صهیونیستی و وزیر خارجه وقت اسرائیل، می‌گوید: «انقلاب اسلامی کوتاه‌اندیشی نیست، بلکه فصل جدیدی در تاریخ ایده است. من احساس می‌کنم این ایده در منطقه خاورمیانه شیوع یافته و پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر این پدیده‌هاست» (همان).

هربر، روزنامه‌نگار سوئیسی، درباره تأثیر انقلاب اسلامی و شعار حمایت از مستضعفین می‌نویسد: «به‌دنبال انقلاب اسلامی، آمریکای لاتین شاهد ده‌ها کشیش بود که با انتقاد از پاپ خواستار تجدیدنظر در آیین کلیسای واتیکان بودند». اوج چنین روندی در احیای مسیحیت سیاسی در نیکاراگوئه خود را نشان داد. چند سال پس از انقلاب نیز صدها کتاب در مورد نقش مذهبی در صحنه سیاست و اجتماعی به بازارهای جهان آمد و بسیاری از دانشگاه‌ها به تحقیق درباره مذهب پرداختند (همان). بیداری اسلامی و گرایش به دین اسلامی و انقلاب اسلامی در جهان چنان بود که نیکسون در ترسیم خطوط استراتژی آمریکا برای جهان آینده اذعان کرد؛ تغییر در جهان سوم آغاز شده و باورهای آن به مرحله طوفان رسیده است، ما قادر نیستیم آن را متوقف کنیم. در جهان اسلام، بنیادگرایی اسلامی جای کمونیسم را به‌عنوان وسیله اصلی دگرگون‌سازی قهرآمیز گرفته است (واعظی، ۱۳۸۱: ۵۴). انقلاب اسلامی، کشورهای آفریقایی را نیز تحت تأثیر قرار داد. نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا و اولین رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی پس از رهایی از آپارتاید، در

جریان سفر به ایران، انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی (ره) را مسبب امیدهای فراوان برای قیام مردم آفریقای جنوبی در مبارزه با بی‌عدالتی دانست که بدون تردید تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را در این باره فراموش نخواهد کرد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱).

۶-۸. ارتقای جایگاه سیاسی- اجتماعی شیعیان

با وجود اینکه شیعیان در جامعه لبنان از لحاظ جمعیت در اکثریت بودند، عملاً نسبت به سایر ادیان در محرومیت به سر می‌بردند که این ناشی از ناآگاهی طایفه شیعه در جامعه لبنان نسبت به سایر طوایف بوده است. تجدید حیات شیعیان و رشد آگاهی در میان آنها را علامه شرف‌الدین و امام موسی صدر جرقه زد و به برکت فعالیت مؤثر آنها، شیعیان توانستند به مجلس مستقل در جامعه لبنان دست‌یافته و از تحت یوغ فئودال‌های شیعه جدا شوند. گرچه با ناپدید شدن امام موسی صدر شیعیان با مشکل بزرگی مواجه شدند، آگاهی ایجادشده از سوی وی زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران را برای شیعیان فراهم کرد و از آنجاکه آنها سال‌ها طعم تلخ مظلومیت و محرومیت را کشیده بودند، این انقلاب را مایه امید برای رسیدن به جایگاه خود در جامعه لبنان تلقی می‌کردند (طاهری، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۷).

الگوی مقاومت متأثر از انقلاب اسلامی ایران در لبنان تنها چند روز پس از تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی از سوی عده‌ای جوان شیعه محقق شد و آنها توانستند با اسلحه‌های سبک دروازه جنوبی شهر بیروت را روی نیروهای صهیونیستی ببندند. آن روزها جوانانی که خود را «پیرو امام خمینی (ره)» معرفی کردند، اعلام داشتند که این نهضت اسلامی ایران است که انرژی مقاومت آنها را صدچندان می‌کند (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۵۴). در آن سال‌ها که شیعیان جنوب لبنان سخت دچار تشنگی و چندانگی بودند تشکیلات اسلام‌گرا با تشکیل جنبش حزب‌الله، بدین نتیجه رسیدند که به دلیل ناکارایی گروه‌های موجود لبنانی باید با استفاده از تجارب و موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران در تشکیلات جدید تئوری‌های اسلامی را محقق کنند. استفاده از

نمادهای مقدس شیعی، حزب‌الله را در انتقال پیام‌های مربوط به جهاد، شهادت، استقامت و تحمل مشکلات و مصائب، توانمند ساخته و استفاده حزب‌الله از این سمبل‌ها باعث شد تا افراد با پیوستن به این حزب به دنبال پیروز ساختن اسلام بر کفر جهانی و نابودی غده سرطانی برآیند.

امام موسی صدر پس از حضور در لبنان با نگرانی از این وضعیت و با مشاهده ناتوانی طبقه زعما در جذب جوانان شیعه و جلوگیری از جذب شیعیان به احزاب چپ و قومی، تشکیلات سیاسی، اجتماعی و مذهبی متعددی را ایجاد کرد. وی در سال ۱۹۶۷ مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان، در سال ۱۹۷۲ تشکیلات سیاسی اجتماعی حرکت المحرومین و در سال ۱۹۷۵ جنبش امل (گردان‌های مقاومت لبنانی) را بنیان گذارد. وی همچنین در کنار این تشکیلات سیاساجتماعی، تشکیلات مذهبی، اجتماعی و آموزشی نظیر معهد الدراسات (مؤسسه مطالعات اسلامی)، مدرسه جبل عامل، جمعیت بین‌الفتاه و جمعیت البر و الاحسان (جمعیت نیکی و احسان) را ایجاد کرد. او با ایجاد این تشکیلات در پی رفع مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان و کل محرومان لبنان بود. بنابراین با فعالیتهای امام موسی صدر و جنبش امل، شیعیان لبنان قبل از انقلاب اسلامی، سیاسی شده بودند و تشکیلات مستقل سیاسی-اجتماعی داشتند و با بسیاری از مشکلات و معضلات آن آشنا بودند. رشد آگاهی سیاسی-اجتماعی شیعیان زمینه مناسب و مساعدی برای جذب افکار و اندیشه‌های انقلابی امام خمینی (ره) فراهم کرده بود (خسرو شیر و جوان، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۴). مهم‌ترین و اصلی‌ترین حلقه اتصال و ارتباط میان حزب‌الله لبنان و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) است. از هنگام پیدایش حزب‌الله تاکنون، مفهوم و نقش ولایت فقیه جزء جدایی‌ناپذیر مبانی فکری و عملی حزب‌الله بوده است. در دیدگاه حزب‌الله لبنان حوزه سلطه سیاسی اجرایی ولی فقیه نمی‌تواند به کشور ایران محدود و منحصر باشد که تنها دولت اسلامی شیعی در جهان است؛ زیرا ولی فقیه می‌باید بر شیعیان مؤمن تابع دولت‌های دیگر نیز سلطه سیاسی داشته باشد و اگرچه انقلاب

اسلامی با ایران پیوند خورده و در آنجا شروع شده، به آن کشور منحصر نشده است؛ زیرا امام خمینی (ره) روح انقلابی امت اسلام را در ایران زنده ساخت و از آنجا به چهار گوشه جهان اسلام گسترش یافت. سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان، «ولی فقیه را استمراردهنده رسالت پیامبر (ص) پس از رحلت آن حضرت می‌داند و امام خمینی (ره) را امام حسین عصر و شخصیتی مقدس از سلاله پیامبر (ص) توصیف می‌کند» (غریب، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

۷-۸. انقلاب اسلامی عامل هویت‌یابی جوامع اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در تاریخ معاصر نقطه عطفی در احیا و بازگشت مسلمانان به هویت اسلامی خویش است. هویت اسلامی خود عامل تفوق و پیروزی انقلاب اسلامی بوده، اما از منظری دیگر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با توجه به ویژگی جهان‌شمولی آن، موجب احیای هویت اسلامی و بروز جنبش‌های مختلف در جهان اسلام گشته است. انقلاب اسلامی ایران به یک جریان جهانی فراگیر وابسته است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی بیداری است و هدایت آن تا مرحله رهبری تمدن جهانی است (الغنوشی، ۱۳۷۲: ۶۹). نموده‌های چنین تأثیری را می‌توان در رشد و گسترش حرکت‌های اسلامی هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده کرد (روا، ۱۳۷۸: ۵۶). درواقع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب آغاز درگیری کنونی میان قدرت‌های طاغوتی و رژیم‌های جبار از یک‌طرف و ملل محروم و آزادی‌خواه از جهت دیگر شد و به همین دلیل است که این انقلاب الگویی برای هدایت تمامی آزادی‌خواهان جهان در کشورهای مسلمان‌نشین و کشورهای در حال رشد بوده و ایران پایگاهی برای آزادی‌روشنگری و تبیین رسالت در جهان است.

ظهور بیداری اسلامی و جریان‌های اسلام‌گرا در فلسطین، لبنان، ترکیه، مصر، بحرین، لیبی، یمن، سودان، پاکستان و جنوب شرق آسیا و دیگر مناطق جهان اسلام همگی به‌عنوان نموده‌های بارزی از احیای هویت اسلامی در جهان اسلام و حاکی از بازتاب‌های انقلاب اسلامی است. مسئله فلسطین به‌عنوان اساسی‌ترین مسئله

جهان اسلام و حتی خاورمیانه از انقلاب اسلامی ایران الگوگیری کرده و توانسته رژیم صهیونیستی را با چالش جدی مواجه سازد. با توجه به ناکامی جریان‌های پان‌عرب‌یسم، ناسیونالیسم، سوسیالیسم و ... درباره معضلات جوامع اسلامی، ازجمله مسئله فلسطین، ایران اسلامی با انقلاب الهی خود الگوی جدیدی را به جهان اسلام در راه حل بحران‌ها و ازجمله مسئله فلسطین ارائه کرد. به‌نظر اسپوزیتو مهم‌ترین تأثیرگذاری ایران انقلابی بر جهان اسلام در سطح افکار و ایدئولوژی بوده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۳۳۱-۳۳۲). به‌تعبیری، بزرگ‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) احیای گفتمان اسلامی و تلاش برای تقویت و انسجام بخشیدن به هویت اسلامی در جهان اسلام و تقویت هویت اسلامی، موضوع فلسطین به‌عنوان اصلی‌ترین مسئله مسلمانان بوده است.

۸-۸. تجدید حیات اسلام در افکار مسلمانان

در دوره‌ای که دین و معنویت به حاشیه رانده شده بود و اندیشه‌های سکولار و لیبرالی در نظام‌های سیاسی و اجتماعی سیطره داشتند، اسلام بیشتر به مسائل فردی و تنها در چارچوب مساجد تعریف می‌شد. اما با وقوع انقلاب اسلامی، بار دیگر پیوند دین و سیاست در اندیشه نخبگان، نهادهای علمی و فضای فکری جوامع اسلامی برجسته شد. هفته‌نامه آلمانی اشپیگل گزارش می‌دهد که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، جان تازه‌ای به پیکر امت اسلامی دمید و موجب شد تا اسلام به عنوان پرنرژترین و پویاترین دین جهان، بیش از یک میلیارد مسلمان را به تحرک وادارد؛ تحرکی در مسیر تحقق حاکمیت الهی بر زمین.

در همین زمینه، دکتر میشل جانسون در مقاله‌ای در نشریه ژئوپلیتیک / استراتژیک اشاره می‌کند که انقلاب اسلامی موجب شد مسلمانان از وضعیت انفعال و ضعف خارج شوند و به نیرویی اثرگذار و قدرتمند در عرصه جهانی بدل شوند (فلاح، ۱۴۰۰: ۲۶۹-۲۷۰). بیداری سیاسی جهان اسلام را می‌توان در صحنه مبارزات انتخاباتی، گرایش انتخاباتی، گرایش به ایجاد حزب، تشکل‌های سیاسی، هسته‌ها و

جنبش‌های مقاومت در ابعاد مبارزات سیاسی و مسلحانه علیه آمریکا و صهیونیسم مشاهده کرد که در چند سال اخیر روند تصاعدی در بیشتر جهان به خود گرفته است؛ همچنین الهام‌پذیری آنها از الگوهای سیاسی و مبارزاتی انقلاب اسلامی را می‌توان در گفتار و نوشتار آنها به‌عینه دید.

۸-۹. پویایی اتحادیه‌های اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که حاصل ایدئولوژی حکومت دینی بود، راهبردهای سیاست خارجی را به‌گونه‌ای تعیین کرد که تقویت روابط با کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی و ملل مستضعف جهان در اولویت قرار گرفت. این راهبرد باعث تقویت دیپلماسی فعال میان کشورهای اسلامی شد و اتحادیه‌های سیاسی-اقتصادی جهان اسلام را تقویت کرد. امروزه نهادهایی مانند سازمان همکاری اسلامی در دفاع از منافع جهان اسلام و تأمین امنیت کشورهای اسلامی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی دارند.

۹. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

صدور انقلاب صرفاً نظریه‌ای در انقلاب ایران نبوده و همواره انقلابیون پس از پیروزی به‌دلیل احساس قدرتمندی ناشی از آن، تلاش‌هایی برای صدور انقلاب داشته‌اند. انقلاب‌های فرانسه و آمریکا نمونه‌هایی از بحث صدور انقلاب هستند که تا به امروز نیز ادامه دارد. بنیان‌های نظری قدرتمند و تلاش برای ارتقای استانداردهای حکومتگری، هر روز این نوع انقلاب را برای جهانیان از جذابیت بیشتری برخوردار کرده است.

انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت نرم خود که برگرفته از اندیشه فرهنگ و تفکر اصیل اسلامی است، سبب تغییر و تحولات اساسی در ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل و رفتار ملت‌های جهان شد و با به چالش کشیدن نظام بین‌الملل و قواعد حاکم بر آن، نشان داد قدرت‌های شرق و غرب، هر دو برای تسلط بر ملت‌های جهان عمل کرده و

ماهیت هردوی آنها سلطه‌جویانه و مادی‌گرایانه است. به‌علاوه با ترسیم مرز جدیدی که به تعبیر امام خمینی (ره)، مرز بین مستضعفان و مستکبران بود، جبهه‌ای جدید در برابر غرب و شرق ایجاد کرد و سبب خیزش دوباره جنبش عدم‌تعهد و ملت‌های مستقل و نقش‌آفرینی آنها در عرصه روابط بین‌الملل شد. همچنین با ارائه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، هویت سیاسی و دینی جدیدی براساس ارزش‌های دینی به مسلمانان بخشید و با زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کرد. پدیده انقلاب اسلامی پس از چند سده به‌شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد و مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استبداد، استعمار و امپریالیسم را ابطال نمود و بار دیگر جسارت و اعتمادبه‌نفس را به ملت‌های مسلمان بازگرداند. اکنون که امواج بیداری اسلامی به‌سرعت در حال پیشرفت در سراسر جهان است و ارزش‌های اسلامی در حال احیا شدن، موج بیداری اسلامی باعث شکست سیاست‌های استعماری شده و دشمنان نیز در مقابله با این موج عظیم از هر راهی و با به‌کار بستن حربه‌های گوناگون سعی می‌کنند.

در رهیافت جدید، با لحاظ کردن تغییر و تحولات ایجاد شده در محیط داخلی و بین‌المللی و چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن، محلی‌شدن و بین‌المللی‌شدن و بروز مسائل جدید، مفهوم امنیت ملی جرح و تعدیل شده و آن را اساساً از جنبه نرم‌افزاری بررسی می‌کنند. مطابق این رهیافت، اولاً در کنار تهدیدهای نظامی، سایر تهدیدها نیز اهمیت می‌یابد، ثانیاً تأثیر محیط داخلی نسبت به محیط بین‌المللی، اگر نگوییم بیشتر، حداقل هم‌تراز می‌شود. این رهیافت از منظری کلی‌نگر و جامع‌نگر عرصه و قلمرو را مدنظر قرار داده، به‌نحوی که تهدیدها، هم در قالب داخلی و هم در قالب بین‌المللی مطرح می‌شود.

از زمان پایان جنگ سرد تغییراتی در الگوهای امنیتی دولت‌ها مشاهده شده و تحت تأثیر جهانی‌شدن، تأکید بر امنیت نظامی دولت به‌سمت «امنیت بین‌المللی» سوق

یافته است. در این چارچوب، بین‌المللی شدن به معنای جهانی شدن یا چندجانبه‌گرایی است، به این دلیل امنیت جهانی در مقابل امنیت ملی مطرح می‌شود که به سطوح بالای وابستگی متقابل توجه می‌کند. مطابق این تعاریف، امنیت با شیوه‌های یک‌جانبه به دست نمی‌آید، در نتیجه نگرش انفرادی به امنیت ملی نمی‌توان داشت. با این رهیافت، امنیت ملی عبارت است از افزایش توان بازدارندگی کشور، کاهش احتمال حمله نظامی دشمن، کاهش مداخله سیاسی بیگانگان در امور داخلی، تأمین نسبی امنیت نظام اقتصادی، افزایش تعداد متحدان در منطقه و جهان، کاهش تنش‌های سیاسی و اختلاف‌های مرزی و ...

امام خمینی (ره) صدور انقلاب را بیداری مسلمانان و از یوغ سلطه درآمدن و نجات آنها عنوان کرده است. بنابراین، افزایش تعداد حکومت‌های اسلامی به معنای واقعی کلمه می‌تواند توازن قوا را به نفع ایران تغییر دهد. از مهم‌ترین اهداف کلان انقلاب اسلامی، صدور الگوی حکومت دینی آن به سایر کشورهای جهان اسلام است. تحولات اخیر خاورمیانه، چالش‌ها و فرصت‌هایی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماد عینی انقلاب اسلامی، در راستای تحقق این امر، به وجود آورده است. برای هر نظام سیاسی، شناسایی ظرفیت‌ها در بطن تحولات داخلی و بین‌المللی بخش مهم و کارکردی در راستای مدیریت منابع به شمار می‌رود؛ زیرا در صورت شناسایی دقیق ظرفیت‌های داخلی و پیرامونی می‌توان در راستای تحقق وظایف و اهداف خود از آنها استفاده بهینه کرد. انقلاب اسلامی که بر یک نظم دینی خاص مبتنی است به عنوان نظام الگویی، در نظام کنونی جمهوری اسلامی ایران متبلور شده است.

سیاست صدور انقلاب از طریق برخی متغیرهای واسطه‌ای، همچون تجهیز و تقویت نیروهای نظامی در برابر تهدیدهای غرب و کشورهای منطقه، اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران و برخی کشورهای جهان سوم، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش مانند حزب‌الله لبنان، گسترش اعتراضات و قیام‌های مردمی علیه رژیم‌های مرتجع عرب و بی‌ثباتی این حکومت‌ها، شورش‌های مردمی و تضعیف حکومت‌های غیردینی

در کشورهای اسلامی، افزایش متحدان سیاسی ایران و حمایت از ایران در مجامع بین‌المللی، انتقال ارزش‌های اسلامی به‌عنوان یکی از وظایف حکومت دینی، گسترش فرهنگ مبارزه با ظلم و مواردی از این‌دست به تقویت ضریب امنیت ملی ایران منجر شده است. در این راستا کمتر کشوری در جهان طی سی سال اخیر به‌اندازه جمهوری اسلامی ایران دستخوش مداخلات سیاسی و تحریم‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی شده است و شاید امنیت ملی هیچ کشوری به‌اندازه ایران اسلامی بعد از انقلاب مورد تهدید و تعرض قرار نگرفته، اما به‌دلیل نظام مردم‌سالار دینی و رابطه قوی حاکمان و مردم، تمامی این توطئه‌ها خنثی شده است.

در نتیجه صدور انقلاب یکی از راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که از ابتدا بنیان‌گذار انقلاب مطرح کرد. موضوع صدور انقلاب و اقدام‌هایی که براساس این راهبرد دولت جمهوری اسلامی ایران انجام داده بر ابعاد مختلف حیات سیاسی ایران تأثیر گذاشته که مهم‌ترین حوزه تأثیرپذیر در این زمینه حوزه امنیت ملی است.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، شهروز و علی اصغر ستوده (۱۳۹۱). «امکان‌سنجی الگودهی انقلاب اسلامی ایران به جنبش‌های دینی مردمی اخیر در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات/انقلاب اسلامی*، ش ۲۸.
۲. ابوالفتحی، محمد و مختار نوری (۱۳۹۲). «تحولات انقلابی خاورمیانه و امنیت ملی خاورمیانه»، *دوفصلنامه بیداری اسلامی*، ۲(۳).
۳. احتشامی، علی، حسین سلیمی و حسن جوادی نیاکانی (۱۳۹۸). «راهبردهای تبیین و بسط گفتمان انقلابی‌گری در دهه پنجم انقلاب»، *فصلنامه علمی امنیت ملی*، ۹(۳۴).
۴. اسپوزیتو، جان آل. (۱۳۸۲). *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، نشر باز.
۵. اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹). *از مقاومت تا پیروزی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه.
۶. امام خمینی (۱۳۵۹). «سخنرانی در جمع نمایندگان و سفرای کشورهای اسلامی»، ۱۳۵۹/۵/۲۰.
۷. _____ (۱۳۶۲). «سخنرانی در جمع مسئولان دانشگاه امام صادق»، ۱۳۶۲/۶/۱۵.
۸. _____ (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، جلد‌های دوم، ششم، دهم، دوازدهم، پانزدهم و بیست‌ویکم، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. ایزدی، مصطفی (به‌کوشش) (۱۳۶۱). *یادنامه شهید محمد منتظری (مجموعه گفتارها)*، تهران، انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی.
۱۰. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۱). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۸.
۱۱. خانی‌آرانی، الهه و ابراهیم برزگر (۱۳۹۰). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر اروپای غربی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۸(۲۹).
۱۲. خرم‌شاد، محمدباقر (۱۳۸۱). «انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکرد نظری»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، ۲(۱).
۱۳. خسروشیری، علی و مصطفی جوان (۱۳۸۸). «ایران پس از انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان: تأثیرات و پیامدها»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۴۲.
۱۴. دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۱). «دیدار نلسون ماندلا با رهبر انقلاب اسلامی ایران»، دریافت شده از <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11146>
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷). «چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۶. _____ (۱۳۹۲). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات سمت.
۱۷. رواء، اولیویه (۱۳۷۸). *اسلام جهانی‌شده*، ترجمه حسن فرشتیان، تهران، بوستان کتاب.

بررسی تأثیرات مؤلفه‌های گفتمان صدور انقلاب بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ————— ۴۳۷

۱۸. شاه‌قلیان قهفرخی، رضا و باقر سلیمانی (۱۳۹۹). «شناسایی مؤلفه‌های حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت و تأثیرسنجی آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، نشریه آفاق/امنیت، ۱۳(۴۸).
۱۹. طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۹). «تأثیرات انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب‌الله»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۳.
۲۰. غریب، امل سعد (۱۳۸۴). دین و سیاست در حزب‌الله، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، اندیشه‌سازان.
۲۱. غنوشی، راشد (۱۳۷۲). حرکت امام خمینی (ره) و تجدید حیات اسلام، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۲. فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۴). «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی با تأکید بر ژئوپلیتیک شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، ۹ (۶۳).
۲۳. فلاح، محمدجواد (۱۴۰۰). «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران و ظرفیت‌های تمدنی آن»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۳۹ (ب).
۲۴. فلاح‌نژاد، علی (۱۳۸۴). سیاست صدور انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۵. فولر، گراهام (۱۳۷۳). قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۲۶. قاسمی، رضا (۱۳۹۸). «آرمان امنیت امت مسلمان در گفتمان انقلاب اسلامی: ضرورت‌ها و چالش‌ها»، سیاست دفاعی، ۲۷ (۱۰۸).
۲۷. کیانی، داوود (۱۳۸۶). منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. گلدستون، چک (۱۳۸۵). مطالعات نظری تطبیقی انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کریر.
۲۹. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۳۰. محمود اوغلی، رضا (۱۳۹۵). «انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه‌های تأثیرگذار منطقه‌ای آن»، بیداری اسلامی، ۵ (۹).
۳۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۷/۱۱/۱۷). «گاهی به دستاوردهای بین‌المللی انقلاب اسلامی» <https://irdc.ir/fa/news/4642/%E2%80%8C>
۳۲. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۲). «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۱.
۳۳. ملکوتیان، مصطفی، محمد پزشکی، محمدعلی حسینی‌زاده، صادق حقیقت و عبدالوهاب فراتی (۱۳۸۳). بیداری اسلامی در جهان معاصر، چاپ سی‌ونهم، دفتر نشر معارف.
۳۴. واعظی، حسن (۱۳۸۱). ایران و آمریکا، چاپ سوم، تهران، سروش.